# رواق

از خانه مسکونی بگیرید تا قنات

## وقف‌های مردم ایران برای جشن‌های میلاد حضرت رضا(ع)

۴

حجت‌الاسلام والمسلمین مؤمنی:

## رئوف یعنی بالاتر از تصور ما مهربان بودن

۲

آستان قدس و دانشگاه علوم پزشکی مشهد تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند

## توسعه خدمات پیش بیمارستانی در حرم مطهر رضوی

۴

دکتر موسی نجفی از عقلانیت، اعتدال و معنویت در تمدن رضوی می گوید

## امام رضا(ع) و ظرفیت تمدن‌سازی فرهنگ شیعی

۲

عکس و جدبیات - قدس

درباره سنتی قدیمی که این روزها نادیده گرفته می‌شود

# «گنبدنما» گمشده شهرسازی مشهدالرضا(ع)

روزگاری بود که هر کس از بالای پشت‌بام خانه‌اش می‌توانست حرم را ببیند و از سر ارادت و اخلاص، دست بر سینه بگذارد و بگوید: «السلام علیک یا علی بن موسی‌الرضا(ع)»؛ اصلاً مفهوم همسایه و مجاور بودن با ثامن‌الحجج(ع) در پرتو همین شرایط شکل می‌گرفت؛ روزگاری بود که زائران حرم رضوی وقتی به ورودی‌های دره مشهد می‌رسیدند، جاهایی مثل «تپه سلام»، با دیدن گنبد و گلدسته حرم رضوی اشک شوق ...

۱

روایتی تاریخی از سرگذشت مشهورترین رواق امروزی حرم مطهر

# از صحن موزه تا رواق امام خمینی(ره)

**محمدحسین نیکبخت** | امروزه رواق امام‌خمینی(ره)، به ویژه در روزهای سرد سال، میزبان مراسم اصلی عبادی و سخنرانی‌های مذهبی در حرم مطهر است و تا پیش از همه‌گیری کرونا، هر سال و در روز نخست نوروز، دیدار مردم با رهبر معظم انقلاب در همین مکان رقم می‌خورد. رواق امام‌خمینی(ره) یکی از بزرگ‌ترین رواق‌های حرم مطهر است؛ رواقی با ۹ هزار و ۸۰۰ مترمربع مساحت (کمتر از یک هکتار) که با ۲۴ ستون بسیار عظیم، با فاصله تقریبی ۱۸ متر از یکدیگر و سقف‌های معلق بین آن‌ها، در زمره عظیم‌ترین سازه‌های مذهبی کشور قرار می‌گیرد. در مرکز سقف، میان هر چهار ستون، یک نورگیر لوزی شکل تعبیه شده و ارتفاع آن از کف رواق، ۱۴ متر است. این رواق از آثار دوران پرتحول جمهوری اسلامی است و امکان ندارد شما خوانندگان عزیز و ارجمند به حرم مشرف شده باشید و به دلیلی، از اقامه نماز گرفته تا شرکت در مراسم دعا، جشن‌های مذهبی یا عزاداری، گذرتان به آن نیفتاده باشد. با این حال، شاید ندانید محل استقرار شما در رواق امام‌خمینی(ره) تاریخچه‌ای دارد طولانی و جذاب که شاید کمتر شنیده باشید. در رواق امروز می‌خواهیم سابقه تاریخی این مکان مشهور حرم رضوی را با یکدیگر مرور کنیم.

گزیده

کار ساخت صحن موزه در دهه ۱۳۱۰ و پس از ساخت فلکه حضرت آغاز شد؛ فلکه‌ای که در دو بخش شمالی و جنوبی، به صورت نیم‌دایره، بالاخیابان را به پایین‌خیابان وصل و مشکل عبور و مرور وسایل نقلیه را در این مسیر حل می‌کرد

### ■ صحن موزه، پیش از صحن موزه

در محل فعلی رواق امام‌خمینی(ره)، تا پیش از سال ۱۳۸۱ صحنی بزرگ وجود داشت که مردم آن را با نام «صحن موزه» می‌شناختند؛ دلیلش هم قرار داشتن ساختمان موزه آستان‌قدس در این صحن بود. کار ساخت صحن موزه در دهه ۱۳۱۰ و پس از ساخت فلکه حضرت آغاز شد؛ فلکه‌ای که در دو بخش شمالی و جنوبی، به صورت نیم‌دایره، بالاخیابان را به پایین‌خیابان وصل و مشکل عبور و مرور وسایل نقلیه را در این مسیر حل می‌کرد. احتمالاً پس از ساخته شدن فلکه‌های شمالی و جنوبی، بخشی از توده انبوه بازارها، کاروانسراها، تیمچه‌ها و مدارس قدیمه در مجاور حرم رضوی، از بافت پیرامونی اماکن متبرکه جدا شد و فکر ایجاد یک صحن بزرگ در بخش جنوب شرقی روضه منوره، در همان زمان به وجود آمد؛ صحنی که باید با تخریب ساختمان‌های قدیمی و الحاق آن‌ها به حرم، ساخته می‌شد. اما ممکن است بپرسید تا پیش از این تاریخ، در محل صحن موزه، چه ساختمان‌هایی قرار داشت؟ نگاهی به نقشه‌های دوره قاجار به‌ویژه نقشه مهم کتاب مشهور «مطلع‌الشمس» اثر محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، نشان می‌دهد در مکان فعلی رواق امام‌خمینی(ره)، به انضمام ساختمان قدیمی موزه، تالار تشریفات و بخشی از فضای آرامگاه شیخ بهایی، اماکنی از جمله مدرسه پایین‌پا یا «سعدیه»، کاروانسرا و تیمچه «باباغیبی»، آشپزخانه قدیمی خدام، شربت‌خانه، تیمچه حکاک‌ها و چند بنای کوچک و بزرگ دیگر قرار داشت. مدرسه سعدیه از بناهای دوره صفوی و ساخته سعدالدین محمد وزیر بود که در شماره دیروز «رواق» درباره وی و موقوفه‌هایش، اطلاعاتی را خواندید. شربت‌خانه حرم رضوی نیز احتمالاً از آثار دوره صفویه و شاید پیش از آن باشد؛ مکانی که در آن، علاوه بر تهیه و توزیع شربت در جشن‌ها و اعیاد، کار تدارک داروهای گیاهی دارالشفای حضرتی نیز انجام می‌گرفت و موقوفه‌های بسیار ارزشمندی مانند «حمام مهدیقلی‌بیک» به آن اختصاص داشت. امروزه وظایف این اماکن در بخش‌های دیگری از حرم رضوی انجام می‌شود.

### ■ از واقعه گوهرشاد تا انقلاب اسلامی

برگردیم به ماجرای ساخت صحن موزه؛ پس از تخریب مکان‌هایی که از آن یاد کردیم، فضای گسترده‌ای به وجود آمد که آن را با نرده‌های کوتاه فلزی از محیط بیرونی که شامل فلکه جنوبی می‌شد، جدا کردند. به این ترتیب، فضای جدیدی شکل گرفت که به‌تدریج و طی چند دهه، در آن ساختمان موزه، کتابخانه قدیمی، بخش‌هایی از رواق دارالزهد، تالار تشریفات و بخش جنوبی آرامگاه شیخ بهایی ساخته شد. کف صحن را هم با استفاده از سنگ «خلج» پوشاندند. صرف‌نظر از ساخت‌وسازهایی که در اطراف صحن انجام گرفت، دری از این صحن به مسجد جامع گوهرشاد وجود داشت که امروزه در مسیر کفشداری شماره ۱۰ حرم رضوی است؛ این دروازه در حافظه تاریخی خود، وقایع تلخی را ثبت کرده است. در تیرماه ۱۳۱۴ هنگامی که نیروهای نظامی رضاشاه قصد حمله به متحصنان مسجد گوهرشاد را داشتند، یکی از دروازه‌های ورودی که توسط آن‌ها شکسته و سپس از مسیر آن به سوی مردم تیراندازی شد، همین دروازه بود. در واقع، صحن موزه قدیم یا رواق امام خمینی(ره) امروزی، برپایه گزارش مورخان و شاهدان عینی آن واقعه دردناک که در شب ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ رقم خورد، محل تجمع نیروهای نظامی و آماده‌باش آن‌ها برای حمله به مسجد گوهرشاد و قتل‌عام کسانی بود که در حریم امن حرم مطهر، گرد هم آمده بودند تا از دین و شرافت خود دفاع کنند. با این حال، اگر حافظه تاریخی این رواق بزرگ را مرور کنیم به روزهای پرفروغی هم می‌رسیم؛ مانند روزهای پر التهاب بهمن ۱۳۵۷ که در آن، تجمعات چند ده هزار نفری مردم مشهد در حمایت از انقلاب اسلامی در همین مکان برگزار می‌شد؛ مردمی که می‌آمدند تا سخنرانی‌های پرشور علما و شخصیت‌های انقلابی، مانند شهید سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد را بشنوند. حتی در سال‌های بعد و دوران دفاع مقدس، صحن موزه به محل تجمع بسیجیان داوطلبی تبدیل شد که پیش از اعزام به جبهه و برای وداع با امام رضا(ع) در این مکان اجتماع می‌کردند. خاصیت تاریخ همین است و می‌شود در آن، روزهای غم و شادی را در یک مکان، به صورت توأمان مرور کرد. در دهه ۱۳۸۰ش. و با توجه به نیاز مبرم حرم مطهر به مکان مسقفی که بتواند در ایام گرم تابستان یا سرد زمستان، میزبان زائران پرشمار باشد، طرح مسقف کردن صحن موزه و تبدیل آن به رواق امام خمینی(ره) کلید خورد و به‌تدریج ساخت و تزئین آن با آینه‌کاری و کاشی‌های بسیار زیبا و چشمنواز ادامه یافت و همزمان کار ایجاد رواق دیگری با عنوان «دارالمرحمه»، در زیرزمین صحن موزه به انجام رسید؛ رواقی با گنجایش حدود ۱۰ هزار نمازگزار و مساحتی افزون بر ۷ هزار و ۹۰۰ مترمربع که در سال ۱۳۹۲ش. افتتاح شد و از نظر تزئینات مبتنی بر هنر اسلامی، یکی از نمونه‌های برجسته و عالی ساخته شده طی دهه‌های اخیر است.

خبر

مالک رحمتی تأکید کرد

## افزایش کمی و کیفی خدمت به زائران، محور فعالیت‌ها در آستان قدس رضوی

قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی با اشاره به ضرورت ارتقای سطح خدمت رسانی به زائران و مجاوران حضرت رضا(ع) گفت: آنچه به عنوان محور فعالیت ها در آستان قدس رضوی مورد توجه است و تولیت معزز آستان نیز بر آن تأکید دارند، افزایش کمی و کیفی خدمت رسانی به زائران و مجاوران است.

به گزارش آستان نیوز، دکتر مالک رحمتی در مراسم امضای تفاهم نامه همکاری آستان قدس رضوی و دانشگاه علوم پزشکی مشهد که ظهر دیروز در حرم مطهر رضوی برگزار شد، تصریح کرد: همه می دانیم هرچه در کشورمان داریم از برکت وجود امام رضا(ع) است و به همین دلیل خدمت به زائران و مجاوران ایشان در اولویت همه برنامه ها و اقدامات قرار دارد.

رحمتی افزود: بر اساس همین باور و اعتقاد، آستان قدس رضوی همه توان خود را برای ارائه خدمت بی منت به زائر و مجاور به کار می گیرد، اما لازم است همه ظرفیت های شهر، استان و در مواردی نیز ظرفیت های ملی برای این خدمت رسانی بسیج شوند.

قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی همچنین گفت: قابل پیش بینی است که پس از پشت سرگذاشتن دوره کرونا، زائرانی که بیش از یک سال امکان سفر به مشهد مقدس و زیارت از نزدیک حرم مطهر رضوی را نداشته اند راهی این شهر مقدس شوند و خیلی دور نیست زمانی که تعداد زائران سالانه ما از ۳۰ میلیون فعلی به بیش از ۴۰ میلیون افزایش یابد، به همین دلیل باید خودمان را برای افزیش کمی و کیفی سطح خدمات، از جمله خدمات درمانی و فوریت‌های پزشکی آماده کنیم. ما در آستان قدس رضوی خدمت به زائر و مجاور را وظیفه خود می دانیم و افتخار می کنیم که بتوانیم گره‌ای از مشکلات آن ها باز کنیم. متأسفانه در سال های اخیر نسبت به بافت پیرامونی حرم مطهر غفلت هایی صورت گرفته است، اما در آستان قدس رضوی، خدمت رسانی در این بافت را از خدمت در داخل حرم جدا نمی دانیم چرا که معتقدیم بخش عمده ای از زائران طی مدت حضور در شهر مشهد، در همین بافت پیرامونی حضور دارند. بنابراین، لازم است سطح خدمات رسانی به آنها و همچنین به مجاوران ساکن این منطقه توسعه یابد.

نیمکت زندگی

## مثبت سی‌وهفت!

**رقیه توسلی** | از خواب می‌پرم و به کابوسی که دیده‌ام، می‌خندم. فکر کنم جزو معدود آدم‌هایی باشم که بختک این مدلی را تجربه کرده‌اند.

بختکِ خوابِ تاریک. خوابی که برق تویش رفته باشد. خوابی که چشم به‌زور چشم را ببیند و کسی هم نرود -محض رضای خدا- یک شمع روشن کند.

دما مثبت سی‌وهفت درجه است. غیرارادی دستم می‌رود طرف تلفن و شماره کسی را می‌گیرم که به‌گمانم در وقوع این خواب بی‌تقصیر نیست. بنده خدایی که اسم مستعار هم دارد و جمعی صدایش می‌زنند؛ «مُسرف فی الارض».

همیشه خدا تا کلمه آب و برق و صرفه‌جویی پیش کشیده می‌شود تصویر ایشان عینهو بنرهای تبلیغاتی ۴ متری آویز می‌شود توی ملاجم. حالا هم که بدتر از همه وقت، فقط می‌شود یاد او کرد، یاد وسواس عریض و طویلش، یاد ساعات استحمام و دست شستن و ظرف و ظروفش که بد بالاست... .

گوشی را که جواب می‌دهد و قصه‌ام را که می‌شنود، اول ریز ریز می‌خندد و بعد می‌رود توی خودش و با حال نزاری می‌افتد به درددل که: عزیزم! غریبه نیستی. دیروز برای پنجمین بار که گذاشتم لباس‌ها آبکشی شوند، جنگ راه افتاد. مَرد گنده، نیم ساعت هم بیشتر غُر زد به جانم. کم مانده بود کارمان بکشد به درگیری فیزیکی... به همان خدا می‌دانم کارم درست نیست، یک قدم‌های فینگلی هم برداشتم که به چشم کسی نمی‌آید. اگر نمی‌خندی میگم بهت با وجودی که عاشق لامپ و روشنایی‌ام از اوایل خرداد دارم نصف برقای خونه رو روشن می‌کنم. با لوستر که دو ماهه خداحافظی کردم. خب درباره آب نه هنوز، متأسفانه قدم قشنگی برنداشتم.

پیداست از اعتراض واضحم، دلخور نشده زیاد. بس که برخلاف مُسرف بودنش، مهربان و نقدپذیر است.

وقت خداحافظی با شیطنت می‌پرسد خودت چه گلی به سرِ آب و برق زده‌ای که این‌قدر طلبکاری...!؟ اصلا، بگو ببینم چه پدری از انرژی‌های خداداد درآورده‌ای که کابوس آمده سروقتت..؟

با خنده می‌گویم: نمی‌دانی چه خوابزده‌ای شدم... بعد بیداری عین برق ندیده‌ها فقط هجوم بردم سمت کلید پریزها. خانه را کردم تالار نور. قصد هم ندارم یک دانه از لامپ‌ها را خاموش کنم تا اطلاع ثانوی بس که چشمم تاریکی دیده. این از این. اگر امکان دارد بار صرفه‌جویی امروزم را شما به دوش بکشید لطفاً!

**پی نوشت:**

پایان گفت‌وگو برق می‌رود. تلفن قطع می‌شود. تالار نور می‌شود ظلمت کده. دوباره پرت می‌شوم وسط کابوس... یاد تابستان‌های روشن، بخیر!

**سنجاق:**

اِنَّ المُبذِّرین کانُوا اِخْوانَ الشَّیاطِین

همانا اسراف‌کنندگان برادران شیطان‌ها هستند.

آن روزها

درباره سنتی قدیمی که این روزها نادیده گرفته می‌شود

## «گنبدنما» گمشده شهرسازی مشهدالرضا(ع)

**محمدرضا انصافی** | روزگاری بود که هر کس از بالای پشت‌بام خانه‌اش می‌توانست حرم را ببیند ؛ اصلاً مفهوم همسایه و مجاور بودن با ثامن‌الحجج(ع) در پرتو همین شرایط شکل می‌گرفت؛ روزگاری بود که زائران حرم رضوی وقتی به ورودی‌های دره مشهد می‌رسیدند، جاهایی مثل «تپه سلام»، با دیدن گنبد و گلدسته حرم رضوی اشک شوق می‌ریختند و سجده شکر به جا می‌آوردند. زنده‌یاد عزیزالله عطاردی، محقق برجسته و گرانقدر معاصر در کتاب «فرهنگ خراسان» می‌نویسد: «در طول تاریخ مشهد مقدس همواره نظر بر این بوده است که گنبد و مناره‌های حرم مطهر امام رضا(ع) از همه بناها مرتفع‌تر باشد به استثنای مساجد که معماری خاص خود را می‌طلبد [بقیه ابنیه با در نظر گرفتن این اصل مهم بنا گردند]». جایی که زائران حرم رضوی می‌توانستند در آن، برای نخستین بار گنبد طلا را ببینند، به «گنبدنما» مشهور بود. با این حال، گنبدنما و زیبایی‌های معنوی آن، تنها به زائرانی که از راه‌های دور و نزدیک به حرم رضوی می‌آمدند، اختصاص نداشت. مرحوم عطاردی حرف نخستین ما را تأیید می‌کند و می‌نویسد: «ساکنان مشهد مقدس هم هر روز که از منازل خود به محل کار می‌روند، پس از خروج از منزل، گنبد و گلدسته‌ها را در مقابل خود مشاهده می‌کردند و از دور به آن حضرت سلام می‌کردند. به طور کلی از زمان‌های بسیار قدیم در مشهد این نیت جاری بود و ساختمانی بلندتر از بارگاه ملکوتی آن امام همام ساخته نمی‌شد». اما این روزها، زائران حرم مطهر دیگر با گنبدنما آشنا نیستند؛ ما عادت کرده‌ایم همیشه برای توسعه و ساخت‌وساز عجله کنیم؛ فقط دلمان می‌خواهد بکوبیم و بسازیم و خدا کند که منظورمان فقط افزایش فضای مورد استفاده در اطراف حرم رضوی باشد و نه، کسب درآمد و سودهای مالی. امروزه به جز مسیرهای چهارگانه منتهی به حرم مطهر، دیگر نمی‌شود بنای باصفای آن را از جای دیگری مشاهده کرد؛ یعنی گنبدنمای دیگری نداریم. غرضم این نیست که بگویم ایجاد کردن و ساختن ساختمان‌های بافت پیرامونی حرم را – که از قضا، کمترین شباهت به لحاظ طراحی و معماری با نوع ایرانی اسلامی آن دارند! – متوقف کنیم؛ حرف این است که خوب بود پیش از پوشاندن این همه فضا زیر آوار بتن و فولاد، پیوست‌هایی فرهنگی نوشته می‌شد و به معمار و شهرساز ما تذکر می‌دادند تا حد ممکن، مسیر «گنبد نما» را بر مشتاقان و زائران نبندند.

# کنگره ای برای از بین بردن اسلام‌هراسی

حامد تقوایی، دبیر کل کنگره جهانی حضرت محمد(ص) در گفت‌وگو با خبرنگار مهر در خصوص فعالیت‌های این کنگره گفت: کنگره جهانی «محمد(ص)، پیامبر رحمت در آینه آب و هنر» به همت مرکز بین‌المللی آفرینش‌های هنری استانبیل دانشگاه و نقش‌آفرینی استادانی همچون مسعود نجابتی، رضوان صادق‌زاده، محمد خزایی، جلیل جوکار، سید حسن سلطانی و... زحمت داوری آثار در رشته‌های مختلف را بر عهده دارند.

وی با اشاره به اهداف این کنگره ادامه داد: این کنگره یک حرکت فراملی و جهانی در کنار متخصصان غیردانشگاهی محوریت این حرکت بزرگ را بر عهده دارند. استادان دانشگاه در رشته‌های ادبی و هنری بیش از ۲۰ دانشگاه کشور در کمیته‌های اجرایی و علمی و داوری مشارکت دارند. بنابراین ترکیبی از دیدگاه، دانش و هنر را خواهیم داشت که تأثیرگذاری را بیشتر خواهد کرد. نشست‌ها و برنامه‌های جنبی علمی، ادبی و هنری که در دبیر کنگره جهانی محمد(ص) با اشاره به داوری این جشنواره جهانی تصریح کرد: کمیته داوری در رشته‌های مختلف در عالی‌ترین سطح ممکن تشکیل شده است. به عنوان مثال در بخش نقاشی‌خط در خدمت دو تن از چهره‌های ماندگار کشور استاد نصرالله افجه‌ای و استاد محمد جلیل رسولی هستیم. در مجموعه هنرهای تجسمی جمعی از نهادهای فرهنگی از عید مبعث سال گذشته کار خود را با فراخوان آثار ادبی و هنری با موضوع پیامبر گرامی اسلام در هفت زبان و ۲۵ رشته مختلف ادبی و هنری در گستره جهانی آغاز نموده است.

رایزنی معرفی و پاسداشت شخصیت پیامبر اسلام(ص) با زبان هنر است. شور فرهنگ و هنر ایرانی در کنار سایر هنرمندان جهان در بستر کنگره جهانی محمد(ص)، پیامبر رحمت در آینه ادب و هنر خواهد توانست همه توهین‌ها و اسلام‌هراسی‌ها را بی‌اثر کند. تقوایی با تشریح جزئیات فراخوان این کنگره افزود: فراخوان حوزه ادبی شامل شعر و داستان کوتاه و حوزه هنری شامل رشته‌های خوشنویسی، نقاشی خط، پوستر، تایپوگرافی، دیجیتال آرت، نقاشی و نگارگری، عکس، نمایش‌نامه، فیلم کوتاه و نماهنگ است. دریافت آثار تنها از طریق سایت کنگره امکان‌پذیر است. افراد برای این منظور باید در سایت کنگره (WWW.WCAM.IR) نام‌نویسی کرده و آثار خود را از طریق بخش ارسال آثار بفرستند. مهلت ارسال آثار تا ۱۸ مرداد ۱۴۰۰ خواهد بود. داوری آثار در حدود دو ماه انجام و اختتامیه و معرفی برگزیدگان ۲ آبان در هفته وحدت و مصادف با میلاد پیامبر(ص) برگزار خواهد شد. پس از اختتامیه تا برگزاری دور بعد کنگره، مرحله مهم انتشار آثار هم به صورت مجازی و هم نمایشگاه حضوری در کشورهای مختلف را خواهیم داشت.

## عارفانه

### پی بردن به لطف و رحمت الهی

آیت‌الله مشکینی درباره سال‌های سخت دوران یتیمی خویش می‌گوید: «با وجود همه سختی‌ها و نبود امکانات، چیزی که ما را امیدوار کرده بود، توکل به خدا و ایمان به راهی بود که در آن پای نهاده بودیم. هر چند در این غربت و تنهایی سایه پدر و مادر نبود اما همواره خدا بود و یاور این حضور، ما را از یأس و ناامیدی نجات می‌داد.

آیت‌الله مشکینی نزدیک به دو سال در حوزه علمیه اردبیل به تحصیل علوم دینی پرداخت و سپس همراه دو تن از دوستانش راهی قم شد. او در این باره می‌گوید: «وقتی تصمیم گرفتیم به قم بیاییم، مانده بودیم چه کنیم تا خرجی راه فراهم شود و تصمیم خود را عملی کنیم. آن وقت زندگی به گونه‌ای بود که هیچ کدام در شرایط مناسبی نبودیم. این مسئله در جمع سه نفری مطرح و تصمیم به چاره‌جویی شد. من در آن شب با همین فکر به خواب رفتم. در آن شب نیز خوابی دیدم که بعدا برایم مثل معجزه تحقق پیدا کرد. خواب دیدم در خانه هستم و باید از یک عده پذیرایی کنم. بعد دیدم یک ظرف پر از کره آوردند که به همراهش مبلغ ۶ تومان پول به من دادند. پول از آن چیزی ندیدم و صبح بیدارشدم.

فرمود: هرکس موقعیت‌شناس نباشد، جریانات، او را می‌رباید و هلاک خواهد شد.

## سبک زندگی

# چگونگی تکریم و نظارت بر فرزند در سیره رضوی

تربیت دو نوع است: تربیت جسمانی که همگان آشنایم و تربیت دینی که به معنای شکوفاسازی و جهت‌دهی استعدادهای فطری به‌سوی کمال مطلوب است. فرزندان ما نیاز دارند در هر دو بعد تربیت شوند. در این باره راهکارهایی در سیره امام رضا(ع) یافت می‌شود که در اصلاح سبک زندگی بسیار مؤثر است. متأسفانه فرزند را از یک سنی به حال خود رها می‌کنیم و تا بخواهیم به خودمان بیاییم، بسیار دیر شده و کار تربیت را با دشواری همراه می‌کند، در حالی که در احادیث معصومان(ع) تأکیدات زیادی درباره تربیت فرزند در سنین کودکی و چه بسا از دوران جنینی مشاهده می‌کنیم. این مسئله نشان می‌دهد انتخاب همسر صالح در سیره عترت به عنوان نکته‌ای اساسی در تربیت نسل صالح است. مثلاً از امام رضا(ع) نقل است: هنگام تولد فرزند، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویید. یا درباره اسم نیکو نهادن تأکید زیادی شده است. خود اهل‌بیت(ع) نام فرزندان خویش را از اسامی نیکو انتخاب می‌کردند. از امام سؤال کردند: چرا این نام را انتخاب کردید؟ فرمود: خانه‌هایی که در آن نام «محمد» باشد، روز و شبشان با خیر به پایان می‌رسد.

نکته بعدی، درباره مراقبت جسمی و روانی از کودک است. مراقبت‌های جسمانی مانند بحث تغذیه سالم، خواب و جای فرزند و مراقبت‌های روحی و روانی ازقبیل صدقه، عقیقه و خواندن قرآن از این دست است. خود امام رضا(ع) توصیه‌های تربیتی متعددی داشتند. یکی از نکات مهم در تربیت عاطفی و روانی فرزند، صحبت کردن با او است. حضرت توصیه فرمودند با کودک صحبت کنید؛ یعنی یک زمانی را برای صحبت با فرزند اختصاص دهیم. این کار تأثیر زیادی در اصلاح رابطه والدین و کودک دارد. همچنین محبت ورزیدن به فرزند باید یکی از عادات والدین باشد؛ چرا که گرمای محبت مانند تنوری است که وقتی کودک نورس ما در فضای آن قرار می‌گیرد، به مرور زمان به رابطه ما با او تحکیم می‌بخشد.

امیرالمؤمنین(ع) در حدیثی فرمود: «أَکْرِمُوا أَوْلَادَکُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ یُغْفَرْ لَکُمْ»؛ یعنی فرزندان خود را تکریم کنید و ادب نیکو بیاموزید تا آمرزیده شوید. مثلاً امام رضا(ع) فرزند خویش را با «لقب» صدا می‌زدند؛ عبارت‌های مثل «نِعْمَ» یعنی فرزند دلبندم، از تکه‌کلام‌های رایج عترت در صدر زمن فرزندانشان بود. باید مراقبت کرد شخصیت فرزند تخریب نشود. اگر شخصیت او تخریب شد، به طور قطع در آینده او تأثیر می‌گذارد، چرا که فرزند همواره خود را بی‌خاصیت می‌داند.

مسئله نظارت والدین نیز اهمیت زیادی دارد. وقتی غذا را روی اجاق می‌گذارید، مدام سرکشی می‌کنید تا نسوزد. این سرکشی آشپز مثل نظارت والدین بر فرزند است. من خودم مشاهده کردم برخی والدین برای فرزندشان نمودار جسمی دارند؛ قد و وزن را محاسبه می‌کنند تا مُحسنات و اشکالات او را ارزیابی کنند. این مسئله را باید درباره تربیت فرزند نیز لحاظ کرد؛ متأسفانه عمده والدین تنها به تربیت جسمی و آینده شغلی و تحصیلی فرزندشان توجه دارند و هیچ برنامه‌ای برای تربیت روحی او ندارند. در این صورت ما مدیون فرزندمان هستیم و باید در پیشگاه خداوند پاسخ دهیم. جالب است وقتی امام رضا(ع) به سفر می‌رفتند، نظارت و توصیه‌های خود را رها نمی‌کردند. نقل است هنگامی که امام در خراسان بود، اصحاب حضرت، امام جواد(ع) را از در فرعی خانه خارج می‌کردند تا با افراد کمتری مواجه شود که برای دریافت کمک گرد خانه‌اش تجمع می‌کردند. امام رضا(ع) نامه‌ای به فرزندشان فرستاد و به ایشان سفارش کرد به حرف کسانی که به او می‌گویند از در اصلی رفت و آمد نکنند، گوش ندهد. ایشان در این نامه به پسرش سفارش کردند: هر وقت می‌خواهی از خانه خارج شوی، مقداری سکه طلا و نقره همراه داشته باش. هیچ‌کس از تو درخواستی نکند مگر اینکه چیزی به او بدهی.

**برگرفته از گفت و گوی تسنیم با حجت‌الاسلام سیدعلیرضا حسینی**

## حواشی

### می‌خواهیم با تمدن اسلامی قدسیت را به عالم برگردانیم

دانشمندان غربی به یا فیلسوفان غربی به یک قدسیت‌زدایی از عالم مبادرت کرده‌اند در حالی که ما با تمدن اسلامی تازه می‌خواهیم قدسیت را به عالم برگردانیم. این در خود زیارت نیز دیده می‌شود یعنی وقتی زائر حتی در همان جنبه معنوی به امام وصول می‌شود، با امام صحبت می‌کند و می‌گوید حرف مرا می‌شنوید و جواب سلام می‌دهید. بنابراین این ارتباط یک ارتباط گذشته نیست بلکه الان موجود است و این شخص با امامش حرف می‌زند و فضائل را ذکر می‌کند و می‌خواهد آن‌ها را داشته باشد.

## دکتر موسی نجفی از عقلانیت، اعتدال و معنویت در تمدن رضوی می‌گوید

# امام رضا(ع) و ظرفیت تمدن‌سازی فرهنگ شیعی

**پارسا نیکوکار:** این روزها و همزمان با ایام میلاد امام رضا(ع)، بنیادپژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در برنامه‌ای با عنوان «توحیدخانه» به بررسی «جلوه‌های تمدنی در فرهنگ و سیره رضوی» می‌پردازد که از شبکه ۴ سیما پخش می‌شود. آنچه در ادامه از نظر می‌گذرانید گفتار دکتر موسی نجفی، استاد علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و نویسنده کتاب «تمدن رضوی» در این برنامه است.

دو نوع نگاه عمده به زندگی ائمه(ع) وجود دارد. یک نوع که رایج نیز هست، زاویه نگاه فردی است و دیگری نگاه اجتماعی-سیاسی که نمونه آن را در کتاب انسان ۲۵۰ ساله رهبر معظم انقلاب با سیره ائمه اطهار(ع) استاد مطهری می‌توانیم ببینیم. نگاه دوم به نحوی که به انقلاب اسلامی نگاه می‌شود نیز مرتبط است. به تعبیری شما نمی‌توانید به تاریخ اسلام، فردی نگاه کنید و به انقلاب اسلامی به صورت جمعی؛ چرا که این‌ها با یکدیگر سنخیت دارند. با این نگاه دیگر شما نمی‌توانید بگویید ما می‌خواهیم فقط به سیره فردی و اخلاقی ائمه(ع) نگاه کنیم و بعد ادعا کنید آن‌ها را الگویی برای مسائل اجتماعی-سیاسی می‌کنید.

**■ تمدن یک کلان روایت و نخ تسبیح خرده روایت‌هاست**

اگر بخواهیم از نگاه اجتماعی-سیاسی کمی فراتر برویم و به صورت کلان‌روایت نگاه کنیم، باید از تمدن حرف بزنیم. به نظر من نمی‌توان به یکباره از نگاه فردی به نگاه تمدنی رسید و باید پیش از آن کمی وی نگاه اجتماعی -سیاسی بحث شود. چرا که تمدن علاوه بر اینکه کلان‌روایت است، اجزا دارد که این اجزا نمونه‌هایی برای روایت سیاسی، روایت اجتماعی، روایت اقتصادی، روایت اخلاقی و امثالهم را دربرمی گیرد و آن چیزی که همچون نخ تسبیح این خرده‌روایت‌ها با همدیگر وصل و به صورت کلان‌روایت می‌کند و معنا می‌دهد، تمدن است.

**■ هر فرهنگی ظرفیت تمدن‌سازی را ندارد**

من تعبیر شهید مطهری را بیشتر می‌پسندم که تمدن، جلوه مادی فرهنگ و فرهنگ جلوه معنوی تمدن است و به عبارتی این‌ها دو روی یک سکه هستند. با افزودن یک تبصره به دیدگاه شهید مطهری می‌توان گفت ابتدای راه، فرهنگ است و این فرهنگ وقتی بالنده شود و عمق پیدا کند بدل به تمدن می‌شود. حال سؤال می‌شود آیا هر فرهنگی تمدن دارد؟ خیر، چرا که هر فرهنگی ظرفیت تمدن‌سازی ندارد. با این تفسیر اگر بخواهیم بگوییم اهل بیت(ع) تنها فرهنگ داشته‌اند، جفا کرده‌ایم چرا که فرهنگ علوی، میوه‌اش تمدن رضوی است. تمدن رضوی، ادامه همان مدینه‌النبی و فرهنگ علوی است که پس از ۱۵۰ سال به بار نشسته است و در نخستین مرحله میوه داده است.

**■ همه تاریخ بشر، تاریخ غرب نیست**

نکته‌ای که باید در حوزه مطالعه تمدن مدنظر داشته باشیم این است همه تاریخ بشر، تاریخ غرب نیست. تاریخ غرب، نه همه بلکه بخشی از تاریخ فرهنگ و دانش بشر است. غربی‌ها وقتی می‌خواهند از تمدن اسلامی بحث کنند، نقشی که تمدن اسلامی در انتقال دانش یونانی و باستان به تمدن بس از قرون وسطا به غرب داشته را مورد توجه قرار می‌دهند، گویی مسلمانان تنها وظیفه انتقال و ترجمه داشته‌اند. در اینکه متفکری از مسلمانان به‌گونه‌ای که غربی‌ها روی بحث تمدن متمرکز شده‌اند، نداشته‌ایم بحثی نیست اما کسانی که به فلسفه تاریخ و به نحوی به تحولات جامعه توجه داشته‌اند زیاد داریم؛ ابن خلدون، خواجه نصیر یا ابن مسکویه از این دسته هستند.

**■ جمع شدن نیازهای اولیه و ثانویه در تمدن**

اینکه ما تمدن داریم حرف درستی است ولی این نکته نیز پذیرفته است که شاید مطالعات آن مطابق واقعیت نیست. مثلاً موزه آستان قدس رضوی نشانه‌ای از همین تمدن است چرا که یکی از ویژگی‌های تمدن بحث هنر است و به هر چه در این مجموعه نگاه کنید، هنر است.

بشر وقتی به هنر می‌رسد یعنی از سطح نیازهای اولیه عبور کرده و به تمدن رسیده است، چرا که تمدن جمع شدن نیازهای اولیه و ثانویه با همدیگر است. ما می‌توانیم بحث‌های تمدن را چند شاخه کنیم: تمدن مسلمان -که حداقلی است-، تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی- که مربوط به آینده است-، تمدن رضوی و تمدن مهدوی. به نظرم مهم‌ترین نهالی که در زمان حضرت (ر.ض.ع) کاشته شد این بود که نشان دادند

> **ما هم از تفکر سلفی‌گری و هم از تفکر سکولاری که فاقد معنویت است، جدا می‌شویم. زمانی که با قرائت شیعی رضوی به تمدن نگاه می‌کنیم، ویژگی‌هایی را می‌بینیم که ماکت این تفکر در آستان قدس کمابیش دیده می‌شود.**
>
> گزیده

همان‌طور که امام حسین(ع) در نهضت غیر از یزید است و امام علی (ع) در نظام سیاسی غیر از معاویه است، امام رضا (ع) نیز در جامعه اسلامی غیر از خلفای عباسی ظاهراً شهرنشین و متمدن است.

**■ ۳ ویژگی تمدن رضوی؛ عقلانیت، اعتدال و معنویت**

در زمینه خصیصه‌های تمدن رضوی می‌توان از سه ویژگی نام برد که در تعالیم خود حضرت نیز وجود دارد. یکی از آن‌ها عقلانیت است، دیگری اعتدال و عدالت و سومی نیز معنویت است. هر سه این‌ها در یک ترکیب متناسب در وجود انسان کامل وجود دارد. انسان کامل نیز غیر از فیلسوف یا استاد یا دانشمند بوده و بزرگتر از آن‌هاست. به عبارتی هم آن‌ها به اضافه دیگر چیزهاست و به تعبیری امام، انسانی نیمه زمینی، نیمه آسمانی است. فیلسوف این‌طور نیست و می‌بینید دانشمندان غربی یا فیلسوفان غربی به یک قدسیت‌زدایی از عالم مبادرت کرده‌اند در حالی که ما با تمدن اسلامی تازه می‌خواهیم قدسیت را به عالم برگردانیم.

این در خود زیارت نیز دیده می‌شود یعنی وقتی زائر حتی در همان جنبه معنوی به امام وصول می‌شود، با امام صحبت می‌کند و می‌گوید حرف مرا می‌شنوید و جواب سلام مرا می‌دهید. بنابراین این ارتباط یک ارتباط گذشته نیست بلکه الان موجود است و این شخص با امامش حرف می‌زند و فضائل را ذکر می‌کند و می‌خواهد آن‌ها را داشته باشد. هم‌طور که گفتیم این صرفاً نمی‌تواند در یک بعد اخلاقی و فردی تحدید شود.

**■ بنیادگرایی با تفکر شیعه نسبتی ندارد**

این عقلانیت، اعتدال و معنویت، تمدن و تفسیر ما از اسلام را از دو گوره جدا می‌کند. یکی گروه سلفی‌هاست که مدعی‌اند حائز نوعی از اسلام هستند، در حالی که اسلام آن‌ها نه تنها عقلانیت ندارد بلکه سرشار از خشونت و عاری از معنویت است. حقیقتاً ما همان‌قدر که از سکولاریسم فاصله داریم از این نوع اسلام و این نوع برداشت از اسلام نیز فاصله داریم و این نیز چیزی نیست که برخی از گروه‌های سیاسی داخلی بخواهند آن را به همدیگر نسبت بدهند.

این بسیار کار زشتی است که یک گروه داخلی سیاسی بگوید من تفکرم آزادمنشانه و اصلاح‌طلبانه است و گروه رقیب را به سلفیت و داعش‌گونه بودن متهم کند. این واقعاً ظلم است چرا که در تفکر داعشی و تفکر سلفی عقلانیت، معنویت و اعتدال وجود ندارد. پایبندی به اصول در مکتب اهل بیت(ع) نیز وجود دارد ولی پایبندی به اصول در سلفیت یا پایبندی بر اصولی که ما در تشیع داریم، از زمین تا آسمان متفاوت است. خیلی بد است افرادی که به اصول پایبند هستند را به تفکر سلفیت نسبت دهیم. اصلاً سنت‌گرایی یا بنیادگرایی نسبتی ندارد و این دو مقوله از هم جدا هستند. بنیادگرایی با تفکر شیعه نسبتی ندارد و این تشیع بود که جلوه تمدنی را وارد اسلام کرد. این اعتدال را حتی در روش برخورد اهل بیت(ع) با مخالفانشان نیز مشاهده می‌کنید. عهدنامه مالک اشتر نمونه دیگر تمدنی است که تا چه میزان رأفت، مهربانی، محبت و عدالت در آن وجود دارد. با آن نگاه حتی می‌توان آن را یک اعلامیه حقوق بشر دانست. بنابراین ما هم از تفکر سلفی‌گری و هم از تفکر سکولاری که فاقد معنویت است، جدا می‌شویم. زمانی که با قرائت شیعی رضوی به تمدن نگاه می‌کنیم، ویژگی‌هایی را می‌بینیم که ماکت این تفکر در آستان قدس کمابیش دیده می‌شود.

## دیدگاه

# زمانی که امام رضا(ع) به محبان خود اجازه ملاقات نداد

در آموزه‌های اسلامی تفاوتی بین درجات مؤمنان قرار داده شده است. در یک دسته‌بندی کلی، مؤمنان به عترت به ترتیب به محبان، شیعیان و یا تابعان تقسیم‌بندی می‌شوند؛ بنابراین مؤمنی که صرفاً محبت عترت را در قلب دارد، شیعه یا تابع محسوب نمی‌شود بلکه تا زمانی که در رفتار و کردارش دقیقاً منطبق بر میل معصومین(ع) عمل نکند، شیعه محسوب نمی‌شود. این مرزبندی را خداوند در قرآن تبیین کرده است، به عنوان نمونه خداوند در آیه۳۱ آل عمران فرمود: «قُلْ اِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتَّبِعُونی یُحْبِبْکُمُ اللّه...» یعنی (ای پیامبر به محبانت) بگو اگر خدا را دوست دارید، از من تبعیت کنید تا خدا دوستتان بدارد.

در روایتی آمده است: در روزگار ولایتعهدی امام رضا(ع) روزی عده‌ای که مدعی بودند شیعه امیرالمؤمنین(ع) هستند، قصد ورود خدمت امام را داشتند، اما امام اجازه نداد. این آمد و شدها و جواب منفی امام دو ماه به طول انجامید تا جایی که دیگر از رسیدن به ایشان ناامید شدند و به دربان گفتند: به آقایمان بگو ما از شیعیان پدرت هستیم. این ماجرا موجب شماتت و سرزنش دشمنانمان بر ما شده و ما این بار بازگشته و از این شرمندگی و شکستن غروری که به ما رسیده و عجز از احتمال دردی که به سبب شماتت از ناحیه دشمنانمان به ما خواهد رسید از شهر خود خواهیم گریخت.

امام رضا(ع) به دربان خود فرمود: اجازه بده داخل شوند. آنان وارد شده سلام کردند، اما آن حضرت نه جواب سلامشان را داد و نه اذن جلوس صادر کرد و همان طور ایستادند. همگی گفتند: ای زاده رسول خدا، این چه جفای عظیم و استخفاف پس از آن حجاب سخت است؟! دیگر چه جفایی مانده تا بر سر ما آید؟! فَقَالَوا یَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ مَا هَذَا الْجَفَاءُ الْعَظِیمُ وَ الاسْتِخْفَافُ بِکُمْ هَذَا الْحِجَابُ الصَّعْبُ؟ أَیُّ بَاقِیَةٍ تَبْقَی مِنَّا بَعْدَ هَذَا.

امام به آیه ۳۰ سوره شوریٰ اشاره کرده، فرمود: «وَ مَا أَصَابَکُمْ مِنْ مُصِیبَةٍ فَبِمَا کَسَبَتْ أَیْدِیکُمْ وَ یَعْفُوا عَنْ کَثِیرٍ» یعنی «هر مصیبتی به شما رسد، به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند». بعد فرمود: به خدا سوگند من در این کار تنها به خداوند و رسول او و امیرالمؤمنین و پدران پاکم پس از او اقتدا کردم، آنان بر شما نکوهش کردند من نیز اقتدا کردم.

آن‌ها علت را پرسیدند و حضرت در پاسخ فرمود: برای این ادعا که شما خود را شیعه امیرالمؤمنین(ع) معرفی می‌کنید، وای بر شما، شیعیان او حسن و حسین و سلمان و ابوذر و المقداد و عَمّار و مُحَمَّدُ بْنُ أَبِی بَکْرٍ الَّذِینَ لَمْ یُخَالِفُوا شَیْئاً مِنْ أَوَامِرِهِ وَ أَنْتُمْ فِی أَکْثَرِ أَعْمَالِکُمْ لَهُ مُخَالِفُونَ وَ تَقْصِرُونَ فِی کَثِیرٍ مِنَ الْفَرَائِضِ وَ تَتَهَاوَنُونَ بِعَظِیمِ حُقُوقِ إِخْوَانِکُمْ فِی اللّهِ وَ تَتَّقُونَ حَیْثُ لَا تَجِبُ التَّقِیَّةُ وَ تَتْرُکُونَ التَّقِیَّةَ حَیْثُ لَا بُدَّ مِنَ التَّقِیَّةِ.

بعد حضرت ادامه داد: اگر شما در همان ابتدای کار می‌گفتید ما از موالی و محبان اوییم و از دوستداران اولیای او و دشمنان دشمنان او هستیم، من منکر این گفتار شما نشده بودم، اما این مقام و مرتبه شریفی بود که شما مدعی آن شده‌اید و اگر کردار شما گفتارتان را تصدیق نکند به هلاکت افتید، مگر اینکه رحمت پروردگارتان آن را تلافی کند.

آنان گفتند: ای زاده رسول خدا، ما همگی به درگاه خدا استغفار کرده و از این گفته خود توبه می‌کنیم همان طور که شما بعما آموختید بلکه می‌گوییم ما محب شما و اولیای شما و دشمنان دشمنان شما هستیم.

امام فرمود: آفرین و مرحبا به شما برادران و محبانم؛ بیایید بالا و آن قدر آنان را به بالا خواند تا تک تکشان را در آغوش گرفت، سپس به دربان خود فرمود: چند بار ایشان را مانع شدی؟ گفت: ۶۰ بار. فرمود: به همان تعداد نزد ایشان رفته و سلام مرا به ایشان برسان. اکنون با این استغفار و توبه همه گناهان خود را محو و پاک کردند و به دلیل محبت و موالاتشان به ما مستحق کرامت شده‌اند. از حال ایشان و امور نان‌خورانشان تفقد کن، نفقات بسیار و احسان فراوان و هدایای بسیاری به ایشان بده و زیانشان را جبران کن.

**برگرفته از یادداشت جحت الاسلام حسینی در خبرگزاری باشگاه خبرنگاران**

## حواشی

### تمدن رضوی، ادامه مدینه‌النبی و فرهنگ علوی است

فرهنگ وقتی بالنده شود و عمق پیدا کند بدل به تمدن می‌شود. حال سؤال می‌شود آیا هر فرهنگی تمدن دارد؟ خیر، چراکه هر فرهنگی ظرفیت تمدن‌سازی را ندارد. با این تفسیر اگر بخواهیم بگوییم اهل بیت(ع) تنها فرهنگ مدینه‌النبی و فرهنگ علوی است که پس سودجویی، ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی اعتبار خود را از دست داده و اصل تعادل در تمامی وجوه مصرف جایگزین آن می‌شود.

در راستای اشاعه و ترویج فرهنگ منور رضوی

# فراخوان یازدهمین دوره «جشنواره کتاب‌خوانی رضوی» منتشر شد

**رواق** | فراخوان یازدهمین دوره جشنواره کتاب‌خوانی رضوی، با معرفی ۶ عنوان کتاب و بخش ویژه حضرت مهدی(عج)، در راستای اشاعه و ترویج فرهنگ منور رضوی و گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی منتشر شد.

به گزارش مهر، یازدهمین دوره جشنواره کتاب‌خوانی رضوی با همکاری نهادهای عمومی کشور و با همکاری بنیاد فرهنگی هنری بین‌المللی امام رضا(ع) و معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در راستای اشاعه و ترویج فرهنگ منور رضوی، گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی، شناسایی و معرفی کتاب‌های فاخر مرتبط با فرهنگ و سیره اهل بیت(ع)، با اضافه شدن بخش ویژه حضرت مهدی(عج) برگزار می‌شود. در یازدهمین دوره این جشنواره در کنار رشته‌های نقاشی، پویش کتابخوان، مسابقه چهارگزینه‌ای و داستان‌نویسی، رشته‌های شعرسرایی، پویش «برای امام زمانم» و قصه‌گویی اضافه شده و برای جلب مشارکت بیش از پیش ناشران و کتابداران دو بخش حمایت از چاپ و انتشار منابع برتر و نیز مروجان فرهنگ رضوی در نظر گرفته شده است.

**منابع معرفی شده در یازدهمین دوره جشنواره**

در فراخوان یازدهمین دوره جشنواره کتاب‌خوانی رضوی ۶ عنوان کتاب در سه رده سنی «کودک»، «نوجوان» و «جوان و بزرگسال» معرفی شده است. در رده «کودک» (۴ تا ۱۲ سال، متولدان ۱۳۹۶-۱۳۸۸) کتاب‌های «زندگی امام رضا (ع)» اثر سید مهدی مهاجرانی از انتشارات کتابک و «مجموعه ۱۴ معصوم؛ امام زمان(عج)» اثر زهرا عبدی از انتشارات جمکران معرفی شده است. کودکان علاقه‌مند می‌توانند در دو رشته نقاشی و پویش کتابخوان به ازای هر دو کتاب، شرکت کنند.

در رده سنی نوجوان (۱۳ تا ۱۷ سال، متولدان ۱۳۸۷-۱۳۸۳) کتاب‌های «برای ضامن آهو، ۵۵ پرسش و پاسخ درباره امام رضا(ع) و زیارت ایشان» اثر غلامرضا حیدری ابهری از انتشارات بهنشر و «ده قصه از امام زمان(عج)» اثر فریبا کلهر از انتشارات قدیانی، منابع یازدهمین دوره جشنواره کتاب‌خوانی رضوی خواهد بود. نوجوانان می‌توانند در ۶ رشته نقاشی، پویش کتابخوان، مسابقه چهارگزینه‌ای، شعرسرایی، پویش برای امام زمانم و قصه‌گویی به ازای هر دو کتاب شرکت کنند.همچنین «چشمه‌های بهشت: گزیده عیون اخبارالرضا(ع)» اثر محمد هادی زاهدی از انتشارات بهنشر و «پرسش و پاسخ‌های دانشجویی: مهدویت (دوران ظهور)» اثر رحیم کارگر از انتشارات معارف، منابع یازدهمین جشنواره کتاب‌خوانی رضوی در رده سنی جوان و بزرگسال (بالای ۱۸ سال) خواهد بود. بزرگسالان می‌توانند در ۶ رشته پویش کتابخوان، چهارگزینه‌ای، شعرسرایی، داستان کوتاه (داستانک، دلنوشته و متن ادبی)، تولید آثار هنری و قصه‌گویی شرکت کنند. همچنین کتابداران علاقه‌مند می‌توانند در بخش مروجان فرهنگ رضوی و نیز نویسندگان و ناشران علاقه‌مند در بخش چاپ و انتشار شرکت کنند.

**بخش‌های یازدهمین جشنواره کتاب‌خوانی رضوی**

این جشنواره در دو بخش «فردی» و «خانوادگی» در بستر الکترونیک برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند با مطالعه منابع مرتبط، به صورت فردی یا خانوادگی از طریق سامانه مسابقات الکترونیک کتاب‌خوانی به نشانی www.samakpl.ir در جشنواره شرکت کنند.

در بخش «فردی» افراد علاقه‌مند می‌توانند متناسب با رده سنی خود ضمن مطالعه کتاب‌ها در هر یک از رشته‌های جشنواره شرکت کنند. در بخش «خانوادگی» نیز اعضای خانواده می‌توانند متناسب با رده سنی خود با مطالعه کتاب‌ها، به بخش خانوادگی سایت مراجعه کرده و در هر یک از رشته‌های مسابقه شرکت کنند.

شرکت کنندگان در مسابقه تنها می‌توانند در یکی از قالب‌های فردی و خانوادگی شرکت کنند. همچنین شرکت‌کنندگان بخش خانوادگی دو بار وارد مرحله قرعه‌کشی خواهند شد.

## درنگ

حجت‌الاسلام والمسلمین مؤمنی:

# رئوف یعنی بالاتر از تصور ما مهربان بودن

سخنران حرم مطهر بانوی کرامت گفت: فضیلت زیارت فوق‌العاده است و پس از زیارت امام حسین(ع)، بالاترین فضیلت زیارت به امام علی بن موسی‌الرضا(ع) اختصاص دارد و به تعبیر آن امام همام هر کسی حضرت معصومه(س) را زیارت کند انگار ایشان را زیارت کرده است.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسین مؤمنی در سخنرانی حرم مطهر بانوی کرامت اظهار کرد: امام رضا(ع) درباره معرفی امام فرمودند: امام مانند دوستی همراه، پدری مهربان، برادری که از یک مادر باشد، مادر برای طفل صغیر و پناهگاه انسان در سختی‌ها و مشکلات است.

وی با بیان اینکه ما نیاز به تکیه‌گاه و پشت و پناه داریم، گفت: کسانی که می‌توانند برای ما تکیه‌گاه باشند اول خدا و دوم حضرات معصومین(ع) هستند و ما نیاز به یک پشتوانه داریم و هیچ پشتوانه‌ای برای ما به غیر از خدا، محمد(ص) و آل محمد(ع) نیست.

استاد حوزه علمیه قم خاطرنشان کرد: در مورد زیارت، قریب و بعید مطرح نیست و ما هر کجا که امام را صدا کنیم در حقیقت ثواب زیارت آن امام را برای خود ثبت کرده‌ایم و بالاترین ثواب زیارت به زیارت امام حسین(ع) اختصاص دارد.

وی ادامه داد: فضیلت زیارت فوق‌العاده است و پس از زیارت امام حسین(ع) و بالاترین فضیلت زیارت به امام علی بن‌موسی‌الرضا(ع) اختصاص دارد و به تعبیر آن امام همام هر کسی حضرت معصومه(س) را زیارت کند انگار ایشان را زیارت کرده است. حجت الاسلام والمسلمین مؤمنی با اشاره به آثار زیارت امام رضا(ع) عنوان کرد: امام هادی(ع) فرمودند: هر کسی هر اندوهی دارد می‌تواند با زیارت امام رضا(ع) اندوه خود را برطرف کند.

## عکس نوشت

# چه کرده‌ام که این‌طور با عزت زائر امامم...؟

عکس: احمد حسنی

**الهه‌ارجمندی‌راد:** خانم حسنی خبر را که داد، گل از گلدان شکفت و با همدل، عصای کهنه قهوه‌ای کاسه سختی هم از آن راه می‌رفتم، هر چور بود خودرا زودتر به سالن غذا خوری رساندم.

–خواهرا، خواهرا... فردا قرار به بریم حرم... همین الان خانم حسنی گفت.

همه خوشحال شدند و دست زدند. بعد هم چند نفری بغضشان ترکید و خلاصه حال و هوای سالن عوض شد. بی‌بی ربابه که این روزها زیادی دلتنگی نوه‌هایش را می‌کرد با این خبر، بلند بلند گریه کرد. حتماً این را هم نشانه گرفت. همیشه خودش می‌گفت وقتی منتظر چیزی باشیم، شنیدن هر خبر خوب یا بدی یک نشانه است. اعتقاداتش عجیب زیبا بود این پیرزن، ولی حیف که حرف‌های مفیدش برای فرزندانش ارزشی نداشت و گاهی ما‌ها حتی برای یک سرزدن چند دقیقه‌ای هم وقتی نداشتند و یا هفته‌ها می‌گذشت و از تلفن زدن هم یادشان می‌رفت. حاج خانم کمالی از آن طرف سالن به طرفم آمد و در آغوشم گرفت: «خوش خبر باشی ـ سلما خانم... پس بریم زودتر آماده فردا بشیم». به طرف اتاقمان رفت. می‌شناسمش. حتماً سراغ بقچه لباس‌هایش می‌رود تا روسری و چادر نویسش را آماده کند، عطر بزند و کفش‌هایش را واکس بزند. دفعه پیش که ما را به حرم بردند هم همین ذوق را داشت.

فردا همین موقع و روزی آسایشگاه منتظریم. این بار خود خادمان حضرت با مینی‌بوسی به دنبالمان آمدند. تازه قهمید سر دعوت شده خود حضرت هستیم و به عنوان میهمانان ویژه دهه کرامت راهی حرم می‌شویم. روی صندلی‌هایمان قرار می‌گیریم و تا خود حرم مطهر ذکر می‌گوییم.

وقتی صف خادمان سپید پوش امام را با 

آستان قدس و دانشگاه علوم پزشکی مشهد تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند

# توسعه خدمات پیش‌بیمارستانی در حرم مطهر رضوی

آستان قدس رضوی و دانشگاه علوم پزشکی مشهد با هدف تقویت تعاملات و همکاری‌های دوجانبه برای خدمت‌رسانی به زائران حضرت رضا(ع)، تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند.

به گزارش آستان‌نیوز، بر اساس این تفاهم‌نامه که با حضور قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی، مدیر عالی حرم مطهر رضوی و رئیس دانشگاه علوم پزشکی مشهد به امضا رسید، از ظرفیت‌های مشترک برای تقویت اقدامات مدیریت بحران، پدافند غیرعامل و توسعه خدمات فوریت‌های پزشکی و پیش‌بیمارستانی استفاده خواهد شد. تأمین و جانمایی مکان استقرار پایگاه‌های موقت اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیریت حوادث در حرم مطهر رضوی، جانمایی و رعایت الزامات پدها و محل‌های فرود اضطرار بالگردهای امدادی در شرایط اضطراری و تسهیل امکان ورود و خروج خودروها و نیروهای عملیاتی به داخل حرم مطهر، از جمله تعهدات آستان قدس رضوی در این تفاهم‌نامه همکاری خواهد بود. همچنین استقرار یک پایگاه شبانه‌روزی اورژانس پیش‌بیمارستانی در داخل حرم مطهر رضوی و سه پایگاه در آمادگاه‌های حریم حرم، تأمین و تجهیز نیروهای امدادی و آمبولانس‌های خودرویی و موتوری در مناسبت‌های خاص و تدارک و پیش‌بینی اعزام بالگرد اورژانس در صورت نیاز، از تعهدات دانشگاه علوم پزشکی طبق این تفاهم‌نامه است.

فرهنگ رضوی

**معرفی ۱۲ خادم، مروج و محقق ملی و بین‌المللی فرهنگ رضوی**

بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) ۶ خادم ملی در حوزه ترویج فرهنگ رضوی و ۶ مروج و محقق رضوی در عرصه بین‌الملل را معرفی کرد. محمودرضا برازش، مدیرعامل بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) در این رابطه گفت: آقایان حجت‌الاسلام کاظم راشد یزدی در حوزه ترویج معارف رضوی، سیدمرتضی سادات‌فاطمی در بخش ترویج معارف قرآنی، علی انسانی در بخش شعر آیینی، رضا دیشیدی در بخش هنر معماری رضوی، مهدی صحراگرد در بخش پژوهش رضوی و خانم نسترن قدرتی در بخش ادبیات آیینی تجلیل شدند. همچنین از آقایان دکتر «ریوچی سوگی یاما»، پژوهشگر استاد دانشگاه توکیو، «پاسکواله دویا» از ایتالیا، دکتر «میشل کعدی» از لبنان به عنوان شاعر مسیحی، «لوئیس فرناندز اردونیز» از اسپانیا به دلیل ترجمه کتاب‌های مذهبی، «محمد رفیق مغول» از پاکستان و مصطفی «محسن اللواتی» تجلیل به عمل آمد.

از خانه مسکونی بگیرید تا قنات

# وقف‌های مردم ایران برای جشن‌های میلاد حضرت رضا علیه‌السلام

از دیرباز وقف و نذر، جایگاهی ویژه در آستان حضرت داشته و این فرهنگ غنی، هنوز هم پایه و اساس همه فعالیت‌ها در این مجموعه است. حالا که دهه کرامت و سالروز ولادت امام رضا(ع) را پشت سر گذاشتیم، خوب است بدانیم جشن‌هایی که در این ایام به همت آستان قدس رضوی و برای میزبانی از زائران برپا شده با چه وقف‌ها و نذرهایی بوده است.

به گزارش آستان‌نیوز، عشق و ارادت به امام مهربانی‌ها در دل هر کسی که او را می‌شناسد، نهفته است، به همین دلیل است در هر زمانی که بتوانند، در وقف و نذر به این بارگاه شریک می‌شوند. این را اسناد مربوط به وقف‌های انجام شده می‌گوید که برخی از واقفان و خیراندیشان درآمد بخشی از اموال یا ملک‌های خود را برای برگزاری جشن‌های روز ۱۱ ذی‌القعده؛ ولادت حضرت رضا(ع) اختصاص داده‌اند تا از این طریق خدمات گسترده‌تری به زائران و مجاوران شمس‌الشموس آقا علی بن موسی الرضا(ع) ارائه شود.

گزیده

«میرزا محمودخان نوری» یکی از واقفانی است که در رمضان سال ۱۳۱۶ یک کشتارگاه را به انضمام یک سردخانه واقع در منطقه طرق در حاشیه مشهد، وقف آستان قدس رضوی کرد. بر اساس این وقف‌نامه، بخشی از درآمد حاصل از آن باید برای تهیه شربت و شیرینی میلاد حضرت رضا(ع) به کار گرفته شود.

■ **از وقف خانه تا مزرعه و قنات**

«میرزا محمودخان نوری» یکی از واقفانی است که در رمضان سال ۱۳۱۶ یک کشتارگاه را به انضمام یک سردخانه واقع در منطقه طرق در حاشیه مشهد، وقف آستان قدس رضوی کرد. بر اساس این وقف‌نامه، بخشی از درآمد حاصل از آن باید برای تهیه شربت و شیرینی میلاد حضرت رضا(ع) به کار گرفته شود. بانو «کوچک‌آغا صنعی» ملقب به «افخم‌السلطنه» فرزند محمدرضا مؤتمن السلطنه؛ واقف دیگری است که در آذر ۱۳۳۴ چند مزرعه و قنات در روستاهای مقصودآباد، جعفرآباد و سیف‌آباد قوچان برای جشن میلاد حضرت رضا(ع) وقف کرده است. آن طور که گفته شده، با درآمد این موقوفه هر ساله مراسم جشن و سرور ویژه دوستداران امام هشتم(ع) برپا می‌شود. علاوه بر این «بانو صغری رهنما» در سال ۱۳۶۶ خانه‌اش را در شهر کرمان برای آستان قدس رضوی وقف کرد تا درآمد و منافع این رقبات برای جشن و چراغانی و همین طور اطعام میهمانان و مستضعفان به کار گرفته شود.

■ **اشاعه فرهنگ شیعی**

وقف‌های صورت گرفته ویژه میلاد حضرت رضا(ع) به اینجا ختم نمی‌شود؛ «باقری طرزجانی» و «صغری دهقان منشادی» در یزد نیز هر کدام با وقف خانه، مغازه و مزارع خود، تلاش کردند سهمی در گسترش و اشاعه فرهنگ شیعی داشته باشند. عواید این موقوفه‌ها بر اساس وقف‌نامه، به ترویج آداب و رسوم این شهرستان برای برگزاری جشن میلاد امام هشتم اختصاص دارد. «حسین شیربیگی‌پور» در رفسنجان نیز سال ۱۳۶۷ موقوفاتش را برای امام رضا(ع) وقف کرد تا درآمد و منافع موقوفات او برای جشن میلاد امام رضا(ع) و اطعام شیعیان به کار گرفته شود.

«محمد محمدی‌پور دقوق‌آباد» پسته‌کار رفسنجانی و واقف دیگر آستان قدس رضوی در سال ۱۳۷۱ بخشی از چاه عمیق عباس‌آباد نوق و باغ پسته‌اش در جهان‌آباد را برای امام رضا(ع) وقف کرد. بر اساس وقف‌نامه موجود، درآمد موقوفه او برای مراسم شب میلاد امام رضا(ع) و اطعام شیعیان آن حضرت در دفتر رفسنجان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از واقفانی که در سال ۱۳۸۳، ۱۲ هزار مترمربع زمین پسته خود را به همراه دیگر موقوفاتش در مهدی‌آباد بهادران کرمان وقف کرده، حاج‌محمد خاموشی است که وقف او نیز به جشن میلاد حضرت رضا(ع) اختصاص دارد.

■ **فرصت مشارکت بیشتر**

این وقف‌ها همه نشان از ارادت و دلدادگی عاشقان حضرت دارد؛ عاشقانی در گوشه و کنار ایران عزیز که هر چند ممکن است خودشان توفیق سفر به مشهد و حضور در جشن‌های دهه کرامت را نداشته باشند، اما بخشی از دارایی خود را برای برپایی این جشن‌ها وقف کرده‌اند. همان کاری که شاید مشوقی برای دیگران نیز باشد و سنت حسنه وقف را بیش از این گسترش دهد.

الایمان عقد بالقلب و لفظ باللسان و عمل بالجوارح، لا یکون الایمان الا هکذا

**ایمان، عبارت است از: باور قلبی، اظهار به زبان و عمل با اندام ها. ایمان، جز این گونه نیست.**


## آگهی فقدان سند مالکیت

قربانعلی بینائیان بااعلام مفقودشدن سند مالکیت ملک مورد آگهی وباتسلیم استشهادیه گواهی امضاءشده ذیل شماره یکتا۱۴۰۰۰۲۱۵۱۲۶۳۰۰۰۱۱۴وشماره ترتیب ۱۷۳۵۴ مورخ۱۴۰۰.۳.۹ دردفتراسنادرسمی شماره ۱۷ پیشواو طی درخواست وارده به شماره ۱۴۰۰۸۵۶۰۱۰۴۶۰۰۰۱۰۸۳ مورخ ۱۴۰۰.۳.۲۹ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت تک برگی نموده است که مراتب دراجرای ماده۱۲۰آیین نامه قانون ثبت بشرح زیرآگهی می گردد ۱. نام ونام خانوادگی : قربانعلی بینائیان۲. شماره پلاک:۶۸۳۴فرعی از۲۸۲* اصلی مفروزازپلاک۳۰۰۲ ۳-میزان مالکیت:ششدانگ یک واحدتجاری۴-محل وقوع:واقع دربخش بهنام سوخته . ۵-علت ازبین رفتن : مفقودشدن به دلیل جابجایی ۶-خلاصه وضعیت مالکیت:ششدانگ عرصه واعیان یک واحدتجاری تحت پلاک ۲۸۲.۶۸۳۴مفروزی ۳۰۰۲قطعه۵تفکیکی به مساحت ۵۵.۶۶مترمربع واقع دربخش بهنام سوخته ذیل دفترالکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۴۶۰۰۰۳۷۲۸ بنام قربانعلی بینائیان ثبت وسندبه شماره چاپی ۴۴۳۰۶۰صادر گردیده است.لذاباتوجه به اعلام فقدان سندمالکیت ملک فوق الذکر ودرخواست صدورسندالمثنی تک برگی آن مراتب اعلام تاهرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که درقسمت ششم این آگهی ذکرنشده یامدعی وجوداصل سندمالکیت نزد خودمی باشد،ظرف مدت ده روزپس ازانتشاراین آگهی به اداره ثبت اسناد واملاک پیشوامراجعه واعتراض کتبی خودرا ضمن ارائه اصل سندمالکیت یا سندمعامله تسلیم نماید وچنانچه ظرف مهلت مقرراعتراض نرسدویادرصورت اعتراض اصل سندمالکیت یاسندمعامله ارائه نشوداداره ثبت نسبت به صدورسند المثنی مالکیت طبق مقررات جاری، صادر وبه متقاضی تسلیم خواهد کرد./ نشانی ثبت محل : پیشواخ شریعتی طبقه فوقانی درمانگاه فردوس اداره ثبت اسناد و املاک پیشوا - ۱۲۷س م الف ۱۴۰۲۹۲۶آ

رئیس اداره ثبت اسنادواملاک پیشوا-خدادادبشیری

آگهی فقدان سند مالکیت

گیسیامرادی ملک بااعلام مفقودشدن سند مالکیت ملک مورد آگهی وباتسلیم استشهادیه گواهی امضاءشده ذیل شماره یکتا۱۴۰۰۰۲۱۵۱۱۳۷۰۰۰۱۳۹وشماره ترتیب ۲۳۱۳۷ مورخ۱۴۰۰.۲.۲۶ دردفتراسنادرسمی شماره ۶ پیشواو طی درخواست وارده به شماره ۱۴۰۰۸۵۶۰۱۰۴۶۰۰۰۰۸۸۱ مورخ ۱۴۰۰.۲.۲۷ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت تک برگی نموده است که مراتب دراجرای ماده۱۲۰آیین نامه قانون ثبت بشرح زیرآگهی می گردد ۱.نام ونام خانوادگی : گیسیامرادی ملک۲. شماره پلاک:۵۷۹فرعی از۲۸۲* اصلی مفروزازپلاک۳۹۸۵* ۳-میزان مالکیت:ششدانگ یک دستگاه آپارتمان ۴-محل وقوع:واقع دربخش بهنام سوخته پیشوا . ۵-علت ازبین رفتن : مفقودشدن به دلیل جابجایی ۶-خلاصه وضعیت مالکیت:ششدانگ عرصه واعیان یک دستگاه آپارتمان تحت پلاک ۲۸۲.۵۷۹۰مفروزی ۳۹۸۵قطعه ۹ تفکیکی به مساحت ۷۲.۱۰ مترمربع وباانضمام انباری قطعه ۷به مساحت ۱.۸۲ مترمربع واقع دربخش بهنام سوخته ذیل دفترالکترونیکی به شماره ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۴۶۰۰۰۹۶۰ بنام گیسیامرادی ملک ثبت وسندبه شماره چاپی ۴۸۱۸۹۹صادر گردیده است وبه موجب سندرهنی شماره ۱۰۵۳۱ مورخ ۱۳۹۵.۴.۱۳ دفترخانه ۳ پیشوادررهن بانک مسکن قرارگرفته است(موافقت اخذشد). لذاباتوجه به اعلام فقدان سندمالکیت ملک فوق الذکر ودرخواست صدورسندالمثنی تک برگی آن مراتب اعلام تاهرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که درقسمت ششم این آگهی ذکرنشده یامدعی وجوداصل سندمالکیت نزد خودمی باشد،ظرف مدت ده روزپس ازانتشاراین آگهی به اداره ثبت اسناد واملاک پیشوامراجعه واعتراض کتبی خودرا ضمن ارائه اصل سندمالکیت یا سندمعامله تسلیم نماید وچنانچه ظرف مهلت مقرراعتراض نرسدویادرصورت اعتراض اصل سندمالکیت یاسندمعامله ارائه نشوداداره ثبت نسبت به صدورسند المثنی مالکیت طبق مقررات جاری، صادر وبه متقاضی تسلیم خواهد کرد./ نشانی ثبت محل : پیشواخ شریعتی طبقه فوقانی درمانگاه فردوس اداره ثبت اسناد و املاک پیشوا - ۱۲۸ م الف ۱۴۰۲۹۲۶آ

رئیس اداره ثبت اسنادواملاک پیشوا-خدادادبشیری

## آگهی فقدان سند مالکیت

قهرمان ابراهیم زاده باعلام مفقود شدن سندمالکیت ملک موردآگهی وباتسلیم استشهادیه گواهی امضاءشده ذیل شماره یکتایکتا۱۴۰۰۲۱۵۱۲۶۰۰۰۹۹وشماره ترتیب ۱۷۳۳۵ مورخ ۱۴۰۰.۳.۲ دردفتراسنادرسمی شماره ۱۱۷ پیشواو طی درخواست وارده به شماره ۱۴۰۰۸۵۶۰۱۰۴۶۰۰۰۱۰۴۴ مورخ ۱۴۰۰.۳.۳ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت تک برگی نموده است که مراتب دراجرای ماده۱۲۰آیین نامه قانون ثبت بشرح زیرآگهی می گردد ۱. نام ونام خانوادگی : قهرمان ابراهیم زاده۲- شماره پلاک:۳۴۷فرعی از۲۰۷* اصلی مفروزازپلاک۲۰۷* ۳-میزان مالکیت:چهاردانگ مشاع ازششدانگ ۴-محل وقوع:واقع دربخش بهنام عرب . ۵-علت ازبین رفتن : مفقودشدن به دلیل جابجایی ۶-خلاصه وضعیت مالکیت:ششدانگ یک قطعه زمین بابنای احداثی به مساحت ۱۱۸.۵۳ مترمربع قطعه ۳۳۴تفکیکی تحت پلاک ۲۰۷.۳۴۷مفروزازپلاک ۲۰۷ذیل ثبت ۷۶۵۶۴صفحه ۹۴ دفتر ۱۴۷ بنام قهرمان ابراهیم زاده فرزندمحمدثبت وسندبه شماره چاپی ۹۹۶۵۰۷صادرگردیده استسپس مقداردودانگ به موجب سندانتقال اجرایی۲۲۲۵۸مورخ ۱۳۹۳.۲.۱۰ دفترخانه۴ پیشوابه فاطمه رضائی منتقل گردیده است وبنامش ذیل ثبت ۴۹۱صفحه ۷۰دفتر۴ثبت وسندبه شماره چاپی ۴۷۵۹۵۵صادرگردیده است. . لذاباتوجه به اعلام فقدان سندمالکیت ملک فوق الذکر ودرخواست صدورسندالمثنی تک برگی آن مراتب اعلام تاهرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که درقسمت ششم این آگهی ذکرنشده یامدعی وجوداصل سندمالکیت نزد خودمی باشد،ظرف مدت ده روزپس ازانتشاراین آگهی به اداره ثبت اسناد واملاک پیشوامراجعه واعتراض کتبی خودرا ضمن ارائه اصل سندمالکیت یا سندمعامله تسلیم نماید وچنانچه ظرف مهلت مقرراعتراض نرسدویادرصورت اعتراض اصل سندمالکیت یاسندمعامله ارائه نشوداداره ثبت نسبت به صدورسند المثنی مالکیت طبق مقررات جاری، صادر وبه متقاضی تسلیم خواهد کرد./ نشانی ثبت محل : پیشواخ شریعتی طبقه فوقانی درمانگاه فردوس اداره ثبت اسناد و املاک پیشوا -۵۱۲۵س م الف ۱۴۰۲۹۲۶آ

رئیس اداره ثبت اسنادواملاک پیشوا

## آگهی فقدان سند مالکیت موضوع ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت

آقای حسین توکلی فرزند رمضان به شناسنامه ۳۳۰ و شماره ملی ۵۹۱۹۳۹۲۲۵۸ صادره راز و جرگلان برابر وکالتنامه شماره ۱۰۷۶۹۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۵ دفتر خانه ۲۴ بجنورد به وکالت از محمد ابراهیم توکلی فرزند کربلائی رمضان به شماره شناسنامه ۲۵۱ و شماره ملی ۵۹۱۹۳۹۱۴۶۴ صادره از راز و جرگلان برابر مشروحه شماره ۵۴۳۱-۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۹ با تسلیم دو برگ استشهادیه که صحت امضاء شهود مذکور در آن در دفتر اسناد رسمی شماره ۲۴ شهرستان بجنورد گواهی شده است مدعی شده اند که سند مالکیت سه دانگ از ششدانگ پلاک ۳ فرعی از ۲۱۴۹ و ۲۱۵۰ اصلی واقع در بخش یک بجنورد به شماره ثبت ۴۷۰۹ صفحه ۲۷۷ دفتر ۲۶ به شماره چاپی ۶۹۵۱۳۱ به علت نامعلومی مفقود شده است درخواست صدور سند المثنی نوبت اول نموده. لذا طبق ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می شود تا هرکس مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور بوده و یامدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید. بدیهی است چنانچه در ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد اداره ثبت طبق مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد کردم الف ۳۰۹۵ ۱۴۰۲۹۲۴آ تاریخ انتشار ۱۴۰۰/۰۴/۰۳

علیخان نادری

رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۷۳۷-۱۴۰۰ مورخه ۱۴۰۰/۰۲/۲۲ هیات به شماره کلاسه ۲۹۵-۱۳۹۹ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس پور حیدری فرزند عیسی بشماره شناسنامه ۲۶۱۱ صادره از بجنورد در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۸۰ متر مربع از پلاک ۱۵۵ اصلی واقع در اراضی کهنه کند خراسان شمالی بخش دو بجنورد خریداری از مالک رسمی آقای رضا صدیق زاده فرزند محمد محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف ۳۰۹۴ آ ۱۴۰۲۹۲۵

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۰/۰۴/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

احمد اصغری شیروان-رئیس ثبت اسناد و املاک

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۹۶۰۳۱۳۰۱۰۰۰۳۱۵۱ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوکان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی جعفر حسن زاده فرزند عزیز بشماره شناسنامه ۲۶۳ صادره از بوکان در ششدانگ یک باب کارگاه ( پرورش قارچ خوراکی ) به مساحت ۱۲۰۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۱۵۴ – اصلی واقع در بخش ۱۷ شهرستان بوکان خریداری از آقای مصطفی حسن زاده احدی از وراث مرحوم عزیز حسن زاده احدی از زارعان صاحب نسق در پلاک مذکور محرز گردیده که برای آن پلاک ۱۹۳ فرعی از ۱۵۴ – اصلی تعیین و اختصاص یافته است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .آ ۱۴۰۲۳۴۲

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۰/۰۳/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۰۴/۰۳

هادی حبیبی – رئیس ثبت اسناد و املاک بوکان

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

املاک واقع دربخش ۶ یزد – تفت و توابع

۱فرعی۱۰۴۷ -اصلی – آقای نادر علی حاجی ابراهیمی فراشاه سه دانگ مشاع از ششدانگ باغچه پلاک ثبتی برابربه مساحت ششدانگ ۲۴۰/۲۰ مترمربع برابرای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۰۲۰۶ مورخه۱۴۰۰/۰۲/۰۹واقع درتفت خریداری عادی مع الواسطه ازمحمد اسمعیلی یزدی تفت مالک رسمی

۱۰۴۷-اصلی – آقای نادرعلی حاجی ابراهیمی فراشاه ششدانگ خانه محروبه پلاک ثبتی برابربه مساحت ۵۰۰ مترمربع برابرای شماره ۱۴۰۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۰۱۶۵ مورخه۱۴۰۰/۰۱/۳۰واقع درتفت خریداری عادی مع الواسطه ازمحمد اسمعیلی یزدی تفت مالک رسمی لذا به منظوراطلاع عموم دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتیکه اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.آ ۱۴۰۲۲۶۷

تاریخ انتشارنوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۰/۰۳/۱۹ تاریخ انتشارنوبت دوم: پنج شنبه ۱۴۰۰/۰۴/۰۳

امیرحسین جعفری ندوشن-رئیس ثبت اسناد و املاک تفت

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

املاک واقع دربخش ۶ یزد – تفت و توابع

۱۸۰۸-اصلی – خانم ربابه بقائیان یک سهم مشاع ازسی سهم ششدانگ زمین محصور پلاک ثبتی برابربه مساحت ششدانگ ۵۲۲۷ مترمربع برابرای شماره ۱۴۰۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۰۱۳۲ مورخه۱۴۰۰/۰۱/۲۵واقع درتفت خریداری عادی از محمد بقائیان مالک رسمی

۱۸۰۸-اصلی – خانم شایسته بقائیان یک سهم مشاع ازسی سهم ششدانگ زمین محصور پلاک ثبتی برابربه مساحت ششدانگ ۵۲۲۷ مترمربع برابرای شماره ۱۴۰۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۰۱۳۴ مورخه۱۴۰۰/۰۱/۲۵واقع درتفت خریداری عادی از محمد بقائیان مالک رسمی

۱۸۰۸-اصلی – خانم خدیجه بقائیان یک سهم مشاع ازسی سهم ششدانگ زمین محصور پلاک ثبتی برابربه مساحت ششدانگ ۵۲۲۷ مترمربع برابرای شماره ۱۴۰۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۰۱۳۰ مورخه۱۴۰۰/۰۱/۲۵واقع درتفت خریداری عادی از محمد بقائیان مالک رسمی

لذا به منظوراطلاع عموم دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتیکه اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.آ ۱۴۰۲۲۶۸

تاریخ انتشارنوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۰/۰۳/۱۹ تاریخ انتشارنوبت دوم: پنج شنبه ۱۴۰۰/۰۴/۰۳

امیر حسین جعفری ندوشن-رئیس ثبت اسناد و املاک تفت

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابرای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۰۱۲۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تفت تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای علیرضا فلاح نژاد تفتی فرزند جواد بشماره شناسنامه ۱۷۱ صادره از تفت در نیم دانگ مشاع از ششدانگ خانه بانضمام ثمنیه اعیانی سه دانگ پلاک ۲۵۲۶ اصلی باغ به مساحت ششدانگ ۴۵۰مترمربع واقع درتفت بخش ۶ یزد خریداری مع الواسطه ازمالک رسمی هاجرباغستانی وخدیجه دهقانی محرزگردیده است

لذا به منظوراطلاع عموم دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.آ ۱۴۰۲۲۶۹

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳

امیرحسین جعفری ندوشن-رئیس ثبت اسناد و املاک تفت

## آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد:

آقای غلام حیدر تازه فرزند هاشم بشماره شناسنامه ۱۷۶۴ صادره از تایباد در ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۲۵۴/۶۰ مترمربع پلاک ۴۰/۱۶۱ فرعی از ۲۵۶- اصلی واقع در بخش ۱۴ مشهد شهرستان تایباد خریداری از محل تمامی مالکیت آقایان غلامحیدر و حسن تازه ** کلاسه ۵۷۶-۹۴

لذا بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه است و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.آ ۱۴۰۲۲۶۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳

رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

غلامرضا آقازاده

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۰۹۷۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۳ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین امینی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۳۰ صادره از بیرجند و کدملی ۵۲۳۹۷۳۰۰۶۷ در ششدانگ یکباب منزل مسکونی به مساحت ۴۵۲/۵۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۴۷۶ ـ اصلی واقع در خراسان جنوبی بخش دو حوزه ثبت ملک بیرجند که پلاک مذکور با سایر پلاک‌های شمال شهر تحت عنوان ۱۵۵۴- اصلی تجمیع گردیده‌اند از محل مالکیت علیجان کورگزی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود رابه این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.آ ۱۴۰۲۲۸۵

تاریخ انتشار نوبت اول : سه شنبه ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

تاریخ انتشار نوبت دوم : پنج شنبه ۱۴۰۰/۰۴/۰۳

علی فضلی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بیرجند

## آگهی موضوع ماده۳قانون وماده۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی

برابرای شماره۱۴۰۰۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۰۹۸هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمدافشارکهن فرزندکرم به شماره شناسنامه۰۸۴۰۰۷۵۷۱۵صادره ازمشهددریک باب ساختمان به مساحت ۳۴۳.۶۰ مترمربع پلاک۱۲۹ فرعی از۲۷۶ اصلی واقع در بخش۱۳ خریداری ازمالک رسمی آقای اکرم افشارکهن محرزگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله۱۵ روزآگهی می شوددر صورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذ رسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،داد خواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است